

۲۲۸۲۶۸۵

عالمجناب برجام

عبارت پردازی ناتمام

www.ketaboo.ir

نویسنده:

بهرز علیشیری

سرشناسه	: علیشیری، بهروز، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور	: عالیجناب برجام، عبارت‌پردازی ناتمام/ بهروز علیشیری.
مشخصات نشر	: تهران: نور علم، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۴۵۹-۲
عنوان به انگلیسی	: His Excellency JCPOA Immature Phraseology
موضوع	: برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵م. ۱۴ ژوئیه Joint Comprehensive Plan of Action, 2015 July 14
موضوع	: انرژی اتمی -- ایران -- سیاست دولت Nuclear energy -- Government policy -- Iran
	: تحریم اقتصادی -- ایران -- قرن ۱۴ Economic sanctions -- Iran-- 20th Century
	: تعهدات بین‌المللی -- ایالات متحده International obligations -- United States
موضوع	: ایران -- روابط خارجی -- قرن ۱۴ Iran -- Foreign relations -- 20th century
رده بندی کنگره	: KZ۵۶۷۵
رده بندی دیویی	: ۱۷۴۷۰۹۵۵/۴۲۷
کتابشناسی ملی	: ۱۷۷۵۷۱۶

نور علم

عنوان کتاب: عالیجناب برجام، عبارت‌پردازی ناتمام

تالیف: بهروز علیشیری

ناشر: نور علم

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

طراح جلد: دکتر شارونا قربانی - مهندس دلارام پری‌پیکر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۴۵۹-۲

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱

چاپ و صحافی: نصر

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

نشر نور علم: تهران- انقلاب- خ ۱۲ فروردین- پلاک ۲۹۰- تلفن: ۶۶۴۰۵۸۸۰ و ۶۶۹۵۷۰۲۱

فروشگاه: خ ۱۲ فروردین- پلاک ۲۹۰- کتاب چرتکه و نور علم- ۰۹۱۲۲۰۷۹۸۴۹- ۶۶۱۷۴۹۱۰

بخش: قلم سینا -انقلاب- ۱۲ فروردین- ساختمان ۲۸۶ واحد ۴ تلفن ۶۶۹۵۷۰۲۱ و ۶۶۹۵۷۱۲۰

در صورت عدم دسترسی از طریق تماس با ۰۹۱۲۳۳۳۴۲۲۹ کتابها ارسال می‌شود.

فهرست مطالب

۷	مقدمه نویسنده
۱۹	برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)
۲۰	دیپاچه (برجام)
۲۴	مقدمه و مفاد عمومی (برجام)
۳۰	مسائل هسته‌ای
۳۰	پیش درآمد نویسنده
۳۴	هسته‌ای
۳۴	الف) غنی‌سازی، تحقیق و توسعه غنی‌سازی، انبار کردن
۳۷	ب) اراک، آب سنگین، باز فراوری
۳۹	ج) شفاف‌سازی و اقدامات اعتمادساز
۴۰	تحریم‌ها
۵۰	برنامه اجرایی
۵۱	مکانیزم حل و فصل اختلافات
۵۹	ضمیمه شماره یک (۱) برجام
۵۹	تعهدات هسته‌ای ایران
۵۹	راکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک
۶۰	طرح تولید آب سنگین
۶۰	سایر راکتورها
۶۱	فعالیت‌های باز فراوری سوخت مصرفی
۶۲	ظرفیت غنی‌سازی
۶۲	تحقیق و توسعه سانتریفیوژها
۶۳	طرح غنی‌سازی سوخت فردو
۶۳	سایر جنبه‌های غنی‌سازی

۶۴.....	ذخایر اورانیوم و سوخت.....
۶۵.....	تولید کارگاهی سانتریفیوژ.....
۶۵.....	پروتکل اضافی و بند اصلاح شده (۱-۳).....
۶۵.....	ملاحظات و نگرانی‌های گذشته و حال.....
۶۶.....	فناوری‌های نوین و حضور طولانی‌مدت آژانس.....
۶۶.....	شفاف‌سازی کنسانتره سنگ معدن اورانیوم.....
۶۷.....	شفاف‌سازی حوزه غنی‌سازی.....
۶۷.....	دسترسی.....
۶۸.....	شفاف‌سازی تولید قطعات سانتریفیوژ.....
۶۹.....	سایر فعالیت‌های جداسازی ایزوتوپی اورانیوم.....
۶۹.....	فعالیت مرتبط با طراحی و توسعه وسیله انفجار هسته‌ای.....
۶۹.....	پیوست ضمیمه شماره یک: طراحی مفهومی اراک.....
۷۳.....	ضمیمه شماره دو (۲) برجام.....
۷۳.....	تعهدات مرتبط با مسائل تحریم‌ها.....
۷۳.....	پیش‌درآمد نویسنده.....
۷۸.....	تعهدات مرتبط با تحریم‌ها.....
۷۹.....	اتحادیه اروپا.....
۸۴.....	ایالات متحده امریکا.....
۹۵.....	ضمیمه شماره سه (۳) برجام.....
۹۵.....	همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای.....
۹۹.....	ضمیمه شماره چهار (۴) برجام.....
۹۹.....	کمیسیون مشترک.....
۱۰۳.....	کارگروه اجرای برداشتن تحریم‌ها.....

ضمیمه شماره پنج (۵) برجام	۱۰۷
زمان‌های اجرای برجام	۱۰۷
روز نهایی شدن	۱۰۷
روز تصویب	۱۰۸
روز اجراء	۱۱۱
اتحادیه اروپا	۱۱۱
ایالات متحده	۱۱۳
شورای امنیت سازمان ملل	۱۱۴
روز انتقال	۱۱۵
روز خاتمه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل	۱۱۶
خلاصه و جمع‌بندی: عبارت پردازی ناتمام	۱۲۱
پیوست شماره یک	۱۳۹
تحریم‌ها، معمای ماده ۲۷	۱۳۹
پیوست شماره دو	۱۴۹
متن کامل انگلیسی برجام (JCPOA)	۱۴۹
نمایه	۲۶۳
منابعی برای مطالعات بیشتر	۲۷۱

مقدمه نویسنده

بی‌شک سند برنامه جامع اقدام مشترک^۱ (موسوم به برجام) که میان دولت جمهوری اسلامی ایران و شش کشور دیگر (شامل انگلیس، آلمان و فرانسه از طرف اتحادیه اروپا، به همراه امریکا، روسیه و چین) در تاریخ بیست و سوم تیرماه ۱۳۹۴ (برابر با چهارده ژوئای ۲۰۰۵) نهایی و تفاهم شد، یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی دولت ایران در دوران معاصر است. مهم‌ترین است چون آثار و تبعات تعهدات مندرج در سند برای سال‌ها خودش را بر سیاست‌های راهبردی دولت‌های آتی ایران تحمیل، و سایه آن بر مناسبات اقتصادی و مراودات مالی و پولی بین‌المللی کشور سنگینی می‌کند.

نسل‌های آتی در عرصه‌های فنی و سیاست‌گذاری این کشور، به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی و تجاری خویش با شرکای بیرونی، باید درک صحیح و منطقی از تعهدات مندرج در این سند (برجام) به مثابه یک معیار تعیین‌کننده داشته باشند. اگرچه قدرت مانور و حیطه اقدام و برنامه‌های دولت‌های آتی ایران در حوزه فناوری هسته‌ای و خدمات جنبی آن نیز تابعی محض از رویکردها و تعهدات مندرج در این سند (برجام) است.

لیکن در این اثر بنا ندارم تا به آثار و نتایج این سند بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران و نتایج و دستاوردهای رفع تحریمی آن بپردازم، که اگر چنین بود، کار سهل‌تری در پیش داشتم، در عوض قصد دارم تا به این سند به مثابه یک کلیت یکپارچه که محصول رویاهای متناقض طرفین مذاکره‌کننده بود، نگاه کنم و یک تحلیل یا ارزیابی درون‌گفتمانی مبتنی بر آرایش واژگانی و عبارت‌پردازی از متن سند، بدون قضاوت ارزشی ارائه دهم. لذا هدف من ارائه یک تحلیل مبتنی بر نتایج یا نقد سیاسی از سند برجام نیست، بلکه تحلیل محتوی متن و درک مفهومی از عبارت‌پردازی فنی آن است. یعنی جایی که متن و پیام آن، اصول و دیدگاه‌های طرفین را بازگو و دیکته می‌کند.

دلیل چنین رویکردی هم به قدر کافی وضوح داشت. امریکا و اروپا به دنبال کنترل و محدودسازی فعالیت‌ها و برنامه‌های هسته‌ای در قالب راهبرد کلی‌تر مهار ایران بودند و اخذ حداکثر امتیازات لازم در این حوزه را جست‌وجو می‌کردند، به گونه‌ای که از متن و عبارت‌پردازی

آن اطمینان لازم را برای مهار هسته‌ای ایران و بازگشت‌ناپذیری آن کسب کرده باشند. دولت ایران نیز به دنبال گریز از محدودیت‌های بین‌المللی اقتصادی خود بود که در قالب تحریم‌های اقتصادی استوار شده بود. معلوم بود که نگارش محتوی سخت و نقطه تعادل‌بخش این دیدگاه‌های متعارض، همان متن و یا خلایقیت در عبارت‌پردازی آن خواهد بود. این خلایقیت صرفاً واجد ابعاد هنری در نگارش نبود، بلکه حاوی گزاره‌های فنی-تکنیکی، سیاسی و حقوقی می‌شد که در واپسین تحلیل، جایگاه و رتبه هر یک از طرفین معاهده را در نیل به اهداف خود معین می‌کرد. لذا در یک معاهده سیاسی که محتوی سخت و دیدگاه‌ها متعارض است این خلایقیت در عبارت‌پردازی است که حرف نخست را می‌زند.

این عبارت‌پردازی نیازی به اختراع یا کشف و شهود و دانش هرمنوتیک ندارد. تفسیری از متن، محتوی و آرایش واژگانی آشکار است. به زعم بنده یک سند، معاهده یا قرارداد سیاسی-حقوقی چهار ستون اصلی و تعیین‌کننده دارد و به صورت یک کلیت، واجد معنی می‌شود. نخست نوع و کیفیت تعهدات هر یک از طرفین متعاهد است. این که طرفین چه الزاماتی را پذیرفته‌اند و چه الزاماتی را تحمیل کرده‌اند^۱ دوم شیوه نظارت یا راست‌آزمایی نحوه و کیفیت ایفای این تعهدات توسط طرفین متعاهد است. به عبارتی چگونه و از طریق چه مکانیزم‌هایی می‌توان از صحت و دقت عمل تعهدات هر یک از طرفین متعاهد اطمینان حاصل نمود.^۲ سوم چه مکانیزم‌هایی برای حل و فصل اختلافات احتمالی و تفسیر رفتار یا برداشت‌های هر یک از طرفین مذاکره طراحی و تعبیه شده است^۳ و چهارم این که در صورت احراز قصور هر یک از طرفین متعاهد و اثبات ایراد یا صدمه به طرف مقابل یا نقض تعهد چه ابزارهایی برای جبران خسارت و پرداخت غرامت منصفانه به طرف دیگر پیش‌بینی شده است.^۴

این چهار ستون تعیین‌کننده یک معاهده دو یا چندجانبه بین‌المللی است که من تلاش می‌کنم نحوه استقرار و میزان استواری هر یک از آن‌ها را برای طرفین این سند (برجام) و بر پایه محتوی و نص آن ارزیابی و تحلیل کنم. برای پیشگیری از انحطاط در گفتار و نوشتار سعی کرده‌ام به مبالغه نیفتم و شرط فروتنی و اتکاء صرف به متن و نص را رعایت کنم. لذا فهم خود از متن و پردازش آن را هدف‌گذاری کرده‌ام. متن سند به قدر کافی گویا، شفاف و البته پیچیده

1. Obligations – Commitments

2. Supervision – Verification

3. Dispute Settlement Mechanism

4. Compensation

است که نیازی به کمک گرفتن از استعاره و تمثیل و یا استفاده از زبان فرزنانگان داشته باشد! متن و الگوی نوشتاری آن، خود را بر تحلیل و تفسیر دیکته می‌کند. البته این‌که در این تحلیل محتوی از متن، خود را بی‌نیاز از استعاره یا زبان خردمندان می‌دانیم، به این معنی نیست که حدود تفسیری متن را تا سرحد تحلیل محتوی صرف تقلیل دهیم. این متن راهبردی در جای خود باید به دقت و اتفاقاً با انبرک فرزنانگی از منظر تعهدات هسته‌ای دولت ایران و تعهدات رفع تحریمی سایر طرف‌ها مورد نقد و ارزیابی بی‌امان قرار بگیرد. تعهدات حقوقی و آثار اقتصادی و سیاسی آن تبیین شود و از آن‌جایی که متن از آثار و مستندات دوران معاصر است که واضعان یا مذاکره‌کنندگان آن هم وجود دارند، باید با حضور و فهم آنان مورد رسیدگی فنی، غیر ارزشی و منصفانه قرار بگیرد، همان‌گونه که من خود در نشست‌های حضوری با تیم دستگاه تخصصی ذیربط مذاکره‌کننده چنین کرده‌ام.

شاید یکی از دلایل اعلیٰ که عنوان این کتاب را «عالیجناب برجام»^۱ برگزیده‌ام، همین باشد. برجام، عالیجناب است چون مهم‌ترین متغیر خارج از مدل‌ها و محاسبات اقتصادی و اجتماعی است که بالاترین تأثیر و گران‌ترین نتایج را بر حیات سیاسی و اقتصادی ایران از خود باقی گذاشته و خواهد گذاشت. عالیجناب است چون نتوانسته خود را از چنبره تحلیل‌ها و کشمکش‌های عالیجنابان سیاسی خارج کند و خود را از دسترس نقد و بررسی علمی و فنی دور نگه داشته است.

چنانچه به معدود رساله‌های علمی و مقالات منتزع از آن، که عناوین برخی از آن‌ها را ذکر کرده‌ام، نگاه کنیم، بدون سختی متوجه می‌شویم که هیاهوی سیاسی پیرامون این سند بر متن و محتوی تکنیکی آن غلبه کرده است. من تا به حال شاهد نبوده‌ام که مثلاً سمینار یا همایشی در مورد برجام و آثار و نتایج آن بر اقتصاد و توسعه فناوری هسته‌ای ایران متمرکز شود. کمتر دیده‌ام که نقدی منصفانه و مشفقانه از متن ارائه شود. صاحب‌نظران مسائل حقوقی، سیاسی، اقتصادی، روابط بین‌الملل و فناوری هسته‌ای در کشور کاملاً عرصه مذاکره و تحلیل را به عالیجنابان سیاسی واگذار کرده‌اند.

این اثر بنا دارد تا این سند را از پستو خارج کند و آن را به عرصه نقد عمومی بیاورد، بدون آن‌که مبالغه‌ای صورت داده باشد. شرط فروتنی در نگارش را مراعات کرده‌ام. اما میزان موفقیت آن را نمی‌دانم! اطمینان دارم که این تحلیل آغازگر ارزیابی نقاط مثبت و منفی این کتاب و این

سند خواهد بود و باید بتواند موجبات ارتقاء دانش مذاکره کردن در کشور را فراهم نماید. اکنون در موقعیتی قرار داریم تا مذاکره‌کنندگان، این سند، به ابهامات احتمالی اولیه متن پاسخ دهند. آیا از همه ظرفیت‌ها و توان کارشناسی- فنی کشور در این حوزه استفاده شد؟ چرا بین متن و جهت‌گیری‌های نوشتاری این سند با دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات مطروحه توسط مذاکره‌کنندگان آن و یا ترجمه رسمی آن تفاوت‌های آشکار وجود دارد؟ در تدوین این سند تا چه اندازه از تجربیات مذاکرات پیشین کشور و مذاکرات مشابه در سطح بین‌المللی استفاده شد؟ زمانی که به پرونده‌های مشابه گذشته در حوزه‌های مذاکرات بین‌المللی با قدرت‌های جهانی نگاه کنیم، و یا به تجربیات سایر کشورها در حوزه هسته‌ای، به‌ویژه با ایالات متحده امریکا؛ مراجعه کنیم، متوجه می‌شویم که تیم مذاکره‌کننده ایران می‌توانستند از پیشینه متن و نتایج چنین مذاکراتی برای حرکت به سمت جلو و پیشگیری از برخی از کاستی‌های مذاکرات قبلی بهره ببرند.

از جمله آخرین مذاکرات بین‌المللی صورت گرفته مشابه می‌توان به مفاد قرارداد الجزایر بین ایران و امریکا موسوم به بیانیه‌های الجزایر^۱ اشاره کرد. این بیانیه‌ها در دی‌ماه ۱۳۵۹، (برابر با ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱) میان سرپرست هیئت ایرانی و معاون وزیر امور خارجه امریکا در تهران و الجزایر امضاء شد و تعهدات حقوقی لازم‌الرعایه‌ای را برای طرفین وضع نمود. یک روز پس از صدور بیانیه‌ها و در ۳۰ دی ۱۳۵۹، تعداد ۵۲ آمریکایی پس از ۴۴۴ روز آزاد و از راه الجزایر به امریکا منتقل شدند و دولت ایران به تعهد خود براساس بیانیه الجزایر عمل نمود. اما دولت ایالات متحده علی‌رغم پذیرش تعهدات شفاف در برابر دولت ایران، تعهد به عدم مداخله در امور ایران را نقض نمود و تحریم‌های تجاری را که قرار بود به موجب بیانیه‌های الجزایر ملغی شوند، در طول سال‌های جنگ و پس از آن به شکل‌های مختلف دوباره اعمال و حتی تشدید نمود. این بیانیه شامل دو سند بود که سند نخست شامل چهار (۴) بخش و هفده (۱۷) بند است. عدم مداخله امریکا در امور داخلی ایران، استرداد دارایی‌های ایران و حل و فصل دعاوی طرفین و برگشت دارایی‌های خانواده شاه سابق ایران و استرداد ۵۲ تن از اتباع آمریکایی توسط ایران از جمله مهم‌ترین آن موارد است.

سند دوم دارای هشت (۸) ماده بود که طرفین توافق کردند که هیئت داورى نه (۹) نفره به نام دیوان داورى دعاوى ایران و امریکا در شهر لاهه هلند تشکیل شود تا به دعاوی

طرفین شامل دعاوی اتباع یک طرف علیه دولت طرف مقابل و دعاوی تجاری دو دولت و اختلافات ناشی از تفسیر این بیانیه‌ها و نظایر آن رسیدگی کند، و سند سوم به نحوه چگونگی رفع تعهدات مالی ایران و آمریکا تمرکز داشت.

تجربیات بیش از چهار دهه گذشته در مورد اجرای تعهدات ایالات متحده بر پایه این سند نشان می‌داد که دولت ایران در بیانیه الجزایر به دلیل برخی از اشکالات ساختاری متن و فقدان تمرکز و تسلط در عبارت‌پردازی و رویکردهای حقوقی نتوانسته به اهداف مندرج در اسناد موصوف دست پیدا کند و به جزء آزادسازی برخی از منابع دولت ایران توسط ایالات متحده، سایر تعهدات نه تنها به طور کامل اجرا نشده است بلکه در عمده موارد شاهد نقض تعهد به ویژه در حوزه اعمال تحریم‌ها و مداخله در امور داخلی دولت ایران بوده‌ایم. از جمله ضعف محتوایی این اسناد می‌توان از نحوه شناسایی و بازپس‌گیری اموال خانواده پهلوی، عدم تعریف دقیق اشخاص غیرامریکایی و ابروآنان دارای تابعیت مضاعف و نحوه تعیین داوران ثالث نام برد.^۱

به هر ترتیب در اوایل انقلاب اسلامی و تجربه اندک بین‌المللی مدیران مذاکره‌کننده ذریبط و فقدان سازماندهی مطلوب تیم کارشناسی- حقوقی می‌توانست زمینه‌ساز این آسیب‌ها در جریان مذاکرات باشد.

یکی دیگر از تجربیات مهم بین‌المللی موجود که می‌توانست کمک بزرگی به تیم مذاکره‌کننده ایرانی در تدوین این سند (برجام) بنماید، تجربه مذاکرات دولت کره شمالی با آمریکا و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای بود. کره شمالی در سال ۱۹۹۲ موافقت‌نامه پادمانی با آژانس منعقد کرد. در فوریه ۱۹۹۳ آژانس درخواست کرد تا از دو سایت مشکوک بازرسی کند (بازرسی ویژه) که دولت کره شمالی با آن موافقت نکرد و شورای حکام طی قطعنامه‌ای فقدان توان راست‌آزمایی عدم انحراف کره شمالی را اعلام کرد و آن را مشمول ماده ۱۲ معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای اعلام کرد. سپس پروژه

۱. برای اطلاع بیشتر در این خصوص رجوع کنید به: (۱) محبی، محسن، بیانیه‌های الجزایر، نشر خیام، ۱۳۷۸؛ (۲) بیل، جیمز، شیر و عقاب، روابط بدفرجام ایران و آمریکا، ترجمه فروزنده، برلیان، تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۱؛ (۳) اقتخار جهرمی، گودرز، دیوان داوری دعاوی ایران- ایالات متحده و عملکرد آن در قلمرو حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، ۱۳۷۲؛ (۴) فوزی توپسرکانی، یحیی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵؛ (۵) منصوری، جواد، بدعهدی آمریکا به ایران در بیانیه‌های الجزایر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۹۷.

به شورای امنیت ارجاع شد و این شورا از کره شمالی درخواست کرد تا از تصمیم خود در مورد کناره‌گیری از معاهده منع گسترش صرف‌نظر نماید.

از منظر آژانس دولت کره شمالی در حوزه‌های ارائه گزارش مواد هسته‌ای، استفاده از تبخیر و آزمایش‌های غنی‌سازی و ارائه اطلاعات تأسیسات غنی‌سازی و آزمایشات جداسازی پلوتونیوم و تبدیل به اورانیوم طبیعی قصور دارد. در سال ۱۹۹۴ کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا به پیونگیانگ سفر کرد و یک سند تحت عنوان «چارچوب توافق شده»^۱ بین آمریکا و کره شمالی امضاء شد و تا حدودی اختلافات فروکش کرد. کره شمالی فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف کرد و آژانس این توقف را تأیید کرد و در مقابل آمریکا برای تشکیل یک کنسرسیوم بین‌المللی برای ساخت دو راکتور آب سبک و فروش سالانه پانصدهزار تن نفت خام به کره شمالی متعهد شد. آمریکا در دسامبر ۲۰۰۲ تحویل محموله‌های نفتی خود را متوقف کرد و کره شمالی فعالیت‌های هسته‌ای خود را مجدداً شروع کرد و بازرسان آژانس را اخراج نمود. قطعنامه آژانس در ژانویه ۲۰۰۳ صادر شد و کره شمالی مجدداً از معاهده منع گسترش خارج شد.

متعاقب آن و در دور چهارم، گفت‌وگوهای شش‌جانبه کره شمالی، کره جنوبی، آمریکا، ژاپن، روسیه، چین در سپتامبر سال ۲۰۰۵ منجر به صدور سندی تحت عنوان «بیانیه اصول یا بیانیه مشترک»^۲ شد که متعاقب آن دولت کره شمالی فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف و مجدداً به معاهده منع گسترش پیوست و به بازرسان آژانس اجازه حضور و دسترسی داد. در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۶ دولت کره شمالی نخستین آزمایش سلاح هسته‌ای خود را انجام داد. شورای امنیت قطعنامه شماره ۱۷۱۸ خود را منتشر کرد و شش کشور مجدداً توافق کردند تا دولت کره شمالی ظرف ۶۰ روز به پادمان‌های آژانس ملحق شود و در عوض کمک‌های اقتصادی و بسته‌های تشویقی دریافت کند. دولت کره مجدداً به بازرسان آژانس اجازه دسترسی داد.

دوره‌های متعدد مذاکرات پنجم و ششم از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ ادامه یافت. در سال ۲۰۰۹ دولت کره شمالی عمدتاً به دلیل گزارش‌های مغرضانه بازرسان، آن‌ها را اخراج کرد و دومین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد و شورای امنیت هم در قطعنامه شماره ۱۸۷۴ مجدداً این آزمایش را مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی دانست. در سال ۲۰۱۲ دولت کره شمالی و آمریکا مجدداً مذاکرات خود را آغاز کردند و تفاهم کردند تا در برابر دریافت کمک‌های غذایی، دولت

1. Agreed Framework

2. Joint Statement of the Fourth Round of the Six-Party Talks

کره شمالی آزمایش‌های هسته‌ای، غنی‌سازی اورانیوم و آزمایش موشک‌های دوربرد را متوقف کند که باز هم به نتیجه نرسید. کره شمالی در فوریه ۲۰۱۳ سومین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد و شورای امنیت طی قطعنامه ۲۰۹۴ اقدام دولت کره شمالی را محکوم و تحریم‌های جدیدی وضع نمود. دولت کره شمالی در ۳ سپتامبر ۲۰۱۷ ششمین آزمایش هسته‌ای خود را با یک بمب هیدروژنی قدرتمند انجام داد.

با روی کار آمدن دولت ترامپ و تشدید فشارهای اقتصادی بر کره شمالی رهبران دو کشور در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ در سنگاپور با هم دیدار کردند و سندی را تفاهم کردند^۱ که با هدف حفظ رژیم صلح‌پایدار در شبه‌جزیره کره تدوین شده بود. لذا قرار شد دولت کره شمالی کلیه تأسیسات هسته‌ای خود را از بین ببرد و سپس تحریم‌های ایالات متحده، و بعد از اجرای کامل این تفاهات توسط دولت کره شمالی، برداشته شود. چند روز بعد از این توافق و در شرایطی که دولت کره شمالی چندین سال^۲ و تأسیسات هسته‌ای خود را تخریب کرده بود و یکی از مهم‌ترین سایت‌های هسته‌ای خود را با حضور خبرنگاران خارجی تخریب و منهدم نمود؛ ترامپ با صدور یک فرمان اجرایی جدید دولت کره شمالی را تهدید فوق‌العاده علیه امریکا معرفی کرد. در ۲۵ آوریل سال ۲۰۱۹ در ملاقات میان رؤسای جمهور روسیه (پوتین) و کره شمالی (کیم جونگ‌آن)، دولت کره شمالی اعلام کرد برای نیل به تفاهات پیشین شش‌جانبه، ما نیاز داریم تا سایر دولت‌ها تضمین‌ها و تعهدات دولت ایالات متحده را پشتیبانی و حمایت کنند.^۳

1. Joint Statement

۲. برای اطلاع بیشتر در این مورد رجوع کنید به: اسیری، مصطفی، حبیبی، همایون، موسوی زنوز، موسی، «تأثیر برجام بر روش‌های حل و فصل اختلافات هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۸۳-۳۰۹؛ ناجی، مهدی؛ نگاهی به بدعهدی‌های امریکا در مذاکرات با کره شمالی، معاونت سیاسی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، خسروی، بهنام، چشم‌انداز مذاکرات آمریکا و کره شمالی در دوره ترامپ تا انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)، پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل، جلد ۴، شماره ۴، ۱۳۹۸، صص ۲۵۶-۲۳۵، گوهری مقدم، ابوزر، اسماعیلی، امیرمحمد؛ اعتماد نافرجام، ۱۳۹۸، امام حسن(ع)؛ قرشی، سیدیوسف؛ واشکافی قطعنامه‌های شورای امنیت ناظر به کره شمالی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست خارجی، شماره دوم، ۱۳۹۵.

Tom, Jenny (2021), Challenges of Negotiation with North Korea, STIMSON. CRS Report, (2021), Nuclear Negotiations with North Korea, Congressional Research Service, Prepared for Members and Committees of Congress; Stin, Jaewoo, and eats, (2021), Korean Peninsula Risk Assessment, Open Nuclear Network's; Lim, Jonathan, "The Singapore Summit Joint Statement," JSTOR, Vol 14, No. 2, PP. 101-112.